

مجموعه‌ای از آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

تفسیر کنت کنز

الف- از آثار حضرت بهاء‌الله

۱. فداک روحی و قلبی اگرچه مدتهاست که این عبد موقف بر جواب رقیمة کریمه حضرت عالی نشد چه که اشغال متوارده بمثابة امطار هاطله بر این عبد بارید در هر حال امید عفو از آن حضرت بوده و خواهد بود... اما تفصیل تفسیر حدیث شریف کنت کنزاً مخفياً آن که در ایام توقّف در ارض سرّ علی پاشا از حضرت غصن الله اعظم روحی لتراب قدومه الأطهر فدا خواسته بودند که این حدیث را تفسیر فرمایند حضرت غصن الله اعظم به مقتضای احوال تفسیر فرمودند و مقصودشان هم آن بوده که عامّة خلق از آن مستفیض شوند...

رسالة مدنیة

الف- از آثار حضرت بهاء‌الله

۱. لله عمل الذین قاموا علی خدمة الأمر علی شأن ما اقدمهم ضوضاء العباد و ما خوفهم ظلم من فی البلاد... این که نسخه مدنیة را ارسال داشتید محبوب است ان شاء الله مثمر ثمر شود و سبب ترقیم آن آنکه یومی از ایام حضرت غصن الله الأعظم روحی و ذاتی و کینونتی لتراب قدومه الفداء در ساحت امع اقدس اعلی ایستاده بودند لسان قدم به این کلمه ناطق قوله تعالی:
یا غصن اعظم محبوب آن که چند ورقی در سبب و علت عمار دنیا و خرابی آن نوشته شود به قسمی که متعصبین را یک درجه تنزل دهد تا مستعد شوند از برای اصغاء حقیف سدره بیان که الیوم مرتفع است انتهی و امثال این مضامین از لسان قدم اصغاء شد لذا حضرت غصن الله رسالة مدنیة را مرقوم فرمودند بعضی از ناس گمان نموده‌اند که علم سیاست که سبب نظم و اطمینان و عمار عالم است منحصر در نفوس معروفه است فبئس ما توهموا عنده علم کل شیء فی کتاب مبین جمیع سیاست در یک بیان مستور و مکنون است طوبی للناظرین و طوبی للعارفین آنچه از حقّ جلّ جلاله در این مقام نازل شده اگر به آن عامل شوند جمیع من علی الأرض خود را فارغ و مستریح مشاهده نمایند و لکنّ الأبصار منعت عن المشاهدة و الأفئدة عن الادراک بما اکتسبت ایادی العباد من قبل و من بعد ان ربنا العلیم هو المحصى الخیر...

ب - از آثار حضرت عبدالبهاء

۹

۱. ای یاران روحانی امروز جمیع اهالی ایران باید در کمال همت و غیرت در خیر دولت و مملکت کوشند و به کمال راستی و درستی و خیرخواهی در آنچه سبب آبادی و راحت و ثروت و بزرگواری دولت و کشور است پردازند مختصر این است که شرف و منقبت عالم انسانی به ظهور کمالات است و مستجمعیت کمال در انتظام حال و سعادت احوال در عالم ظاهر و باطن و جسم و جان است لهذا گمان مکنید که سعادت حال دنیوی سبب محرومی از اجر اخروی و عدم اکتساب قرب الهی و مانع از حصول کمالات روحانی است ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و فنا عذاب النار حضرت جمال ابهی در جمیع الواح امر به تحصیل علوم نافعه و توسیع تجارت و ترقی صناعت و ازدیاد زراعت و تقید به معموریت کشور می فرماید زیرا مدنیت از اس اساس شریعت الله است ولی مدنیت دینی نه مدنیت طبیعی در بین این دو هزاران فرسخ فاصله و بعد است و در رساله مدنی که در بمبائی طبع شده مفصلاً تشریح و توضیح شده البتہ آن رساله را بسیار مطالعه نمایند...

رساله سیاسیةاز آثار حضرت عبدالبهاءهوالله

۱. ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید از وقوعات حالیة ایران شکایت نموده بودید لهذا نهایت تأثر حاصل گردید که آن جمع چگونه پریشانند و آن سروران چگونه بی سرو سامان جمیع این بلایا به جهت عدم استماع نصایح مشفقانه بود زیرا در بدایت انقلاب به کرات و مرات به طرفین نصیحت شد و البتہ آن عبارات را در آن اوقات شما شنیده‌اید و آن نامه‌ها را ملاحظه نموده‌اید این عین عبارتی است که در بدایت انقلاب مرقوم گردید باید دولت و ملت مانند شهد و شیر به یکدیگر آمیخته گردند و الا فلاح و نجاح محال است ایران ویران گردد و عاقبت منتهی به مداخله دول متجاوره شود لهذا باید احبای الهی به جان و دل بکوشند تا میان دولت و ملت التیام حاصل گردد و اگر عاجز شوند کناره گیرند زنده زنده از

این که در خون یک نفر ایرانی داخل شوید و امثال ذلک و لکن آنچه بیشتر گفتیم کمتر شنیدند بلکه ابداً اعتنا نمودند هزار مرتبه نگاشته شد که مداخله علما در امور سیاسیّه سبب حصول بلا یا خواهد گشت حتی در زمان مظفرالدین شاه مرحوم رساله سیاسیّه مرقوم شد و به خط مشکین قلم در هندوستان طبع گشت و در جمیع ایران منتشر شد و وضع و شریف بر مضامین آن مطلع شدند خلاصه آن این است که مداخله علما در امور سیاسیّه منتج مضرات کلیه می‌گردد در هر عهد و عصر که مداخله نمودند ایران را ویران کردند نظیر ایام شاه سلطان حسین که ایران را ذلیل افغان نمودند و سلطنت کیان را بنیاد برانداختند و همچنین در زمان فتح‌علی شاه که فتوی به محاربه و مجاهده با روس دادند و جمیع علماء خود به جهاد رفتند و عاقبت فرار اختیار فرمودند و قس علی ذلک شاعر عرب می‌گوید:

إذا كان الغراب دليل قوم فيهدبهم الى جيف البراري

چون آن رساله در نجف میان اسباب آقا میرزا اسدالله و آقا میرزا عبدالحسین اردستانی بود به دست بی‌فکران افتاد این را از برای ما اعظم گناه شمردند خلاصه در آن رساله منصوص بود که حال اگر باز علماء مداخله در امور سیاسیّه نمایند نتایج مضره خواهد بخشید. باری شما آن رساله را بدست آرید و بخوانید به آن صراحت عبارت انذار و نصیحت شد و لکن گوشها کر بود و چشمها کور لهذا منتهی به این حال شد حال شما باید مشغول به انتشار نفحات الله و بیان آیات بینات باشید و در ترقیات مادیّه و معنویّه ایران بکوشید تا این بنیه به تحلیل رفته قوت گیرد ولی در امور سیاسیّه مداخله ننمائید این است تکلیف جمیع احباء ملاحظه کنید که جمیع وقایع از پیش خبر داده شده است با وجود این ایرانیان متنبه و بیدار نمی‌شوند. باری امید به الطاف الهی است و همت یاران ربّانی خبر تعمیر مراقد یاران الهی سبب سرور روحانی شد و علیک البهّاء الأبھی. ع ع

هو الأبھی

۲. ای منادی پیمان مناجاتی به ملکوت ابھی گردید و از برای آن حضرت طلب تأیید شدید شد... چند سال پیش بعد از صعود به واسطه شما رساله سیاسیّه مرقوم گردید و به جهت سلطان و بعضی از اولی الأیدی به واسطه شما ارسال شد و در هندوستان طبع گردید و یک نسخه مطبوع به طهران نزد جناب علی قبل اکبر فرستادم جمیع وقایع موحشه مدهشه الیوم در آن مذکور و کلّ را به دلیل و برهان قاطع لامع عقلاً و

نقلاً دلالت نمودم که باید اطاعت حکومت نمایند و رؤسای دین را به هیچوجه مداخلی در امور سیاسی نه و هر وقت علمای ادیان در امور سیاسی مداخله نمودند مضرت کلی حاصل شد. باری آن رساله مانند آن است که امروز مرقوم شده باشد یعنی بعد از وقوعات شما این رساله را به کُبرا بنمائید و مضامین را بتمامه تفهیم کنید اگر چنانچه مضامین این رساله در السن و افواه منتشر می‌شد ابدأ این وقایع مدهشه موحشه حاصل نمی‌گشت...

هو الله

۳. ای یاران مهربان عبدالبهاء نامه شما رسید و در نهایت تأثر و حسرت و حزن و اندوه از ویرانی ایران مرقوم نموده بودید که از هر جهت آن اقلیم جلیل جحیمی از بلایا و محن گردیده قحطی و پریشانی و اضطراب و ناامنی و بی سرو سامانی احاطه نموده حق با شماست من نیز بی نهایت متأثر از ویرانی ایران و پریشانی ایرانیانم و به عتبه مقدسه تضرع و زاری نمودم و ایران را امنیت و آسایشی خواستم و سر و سامانی می‌طلبم امیدم چنان است که به فضل الهی این بلایا خفتی یابد و امنیت و راحتی حاصل گردد ولی شما می‌دانید که این وقایع را عبدالبهاء در ایام مرحوم مظفرالدین خوانده بود و رساله سیاسی را مرقوم نمود و انتشار داد و در سنه ۱۳۱۱ به خط جناب مشکین قلم در بمبائی طبع و نشر شد البته نسخ عذیده در دست است مراجعت به آن نمائید ملاحظه می‌نمائید که به صریح عبارت مرقوم شده است که رؤسای دین را مداخلی در امور سیاسی جائز نه اگر مداخله نمایند یقین است که ایران ویران گردد از جمله به وقوعات زمان شاه سلطان حسین و زمان فتح علی شاه و زمان سلطان عبدالعزیز مثل زده شده که زنهار زنهار از مداخله علما و فقها زیرا آنان از عالم سیاسی به کلی بی‌خبرند چون مداخله نمایند ایران ویران گردد و بعد به کرات مرقوم گردید که دولت و ملت باید مانند ماء و راح با یکدیگر امتزاج یابد و آلا ایران ویران گردد باری نصائح عبدالبهاء ابدأ مسموع نیفتاد و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا مقبول نشد و القینا بینهم العداوة و البغضاء تأسس یافت...

هو الله

۴. ای منادی پیمان نامه‌ای که به جناب منشادی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید و به دقت تمام مطالعه شد... رساله سیاسی که چهارده سال قبل تألیف شد و به خط جناب مشکین قلم مرقوم گردید و در

هندستان طبع شد و انتشار داده گشت آن رساله البتّه در طهران هست و یک نسخه ارسال می‌شود به عموم ناس بنمائید که جمیع مضرات حاصله و فساد و فتنه در آن رساله به اوضح عبارت مرقوم گردیده در آن رساله حقوق مقدسه دولت و حقوق مرعیه ملت و تعلقات بین راعی و رعیت و روابط بین سانس و مسوس و لوازم مابین رئیس و مرؤوس مرقوم گردیده این است روش و سلوک این آوارگان و این است مسلک و منهج این مظلومان و السلام علی من اتبع الهدی. ع ع

۵. ای ثابت بر پیمان عبدالبهاء در آستان مقدس در این مدت به عبودیتی موقّق نشد و همواره از شدت خجالت سر فرو بود با نهایت شرمساری به اقلیم مصر شتافت شاید در این اقلیم و اقالیم اخری موقّق به ادنی عبودیتی گردد و مؤید به جزئی خدمتی به آستان مقدس شود ولی افسوس که این بنیه ضعیف را توانائی چنین امر خطیری نه و این اسیر سلسله فقر و فنا را اقتدار به چنین امر عظمی نیست با وجود این یک حرکت مذبحخانه می‌شود تا ببینیم خدا چه مقدر می‌فرماید اگر در محرومی از شرایط عبودیت در مستقبل نیز مانند ماضی گردد باعث اسف شدید شود و حسرت بی‌پایان گردد ولی امید به عنایت و الطاف ربّ جلیل است نه به توانائی و اقتدار این جسم علیل.

ای ثابت بر پیمان آنچه در مکاتیب عبدالبهاء از پیش تحریر گردید و آنچه که در رساله سیاسیّه شانزده سال پیش صریحاً مرقوم شد و در هندوستان طبع گردید و در آفاق منتشر گشت جمیعاً حال ظاهر و آشکار شد و پی در پی می‌شود به کرات و مرات مرقوم گردید که باید دولت و ملت با یکدیگر مانند شاهد و شیر آمیخته گردد و بدون آن فلاح و نجاح محال بلکه نتایج مضره حاصل شود و عاقبت منجر به مداخله دول متجاوره گردد حال ملاحظه نما که چون نصیحت نشنیدند و با یکدیگر نیامیختند و علمای بی‌فکر مداخله نمودند حال این مشکلات ظاهر و آشکار گشت. باری از حالت حالیه و صعوبات عدیده و مخاطرات شدیده نجات مستحیل و محال مگر آن که رایت عدل بلند گردد و ملت بیدار شود و به خیر خویش ملتفت شود و احکام و تعالیم الهی ترویج گردد لکن هیئات ایرانیان چنان مستغرق در نوم و سبات که یمن را از یسار تمیز ندهند حتی هنوز مداخله علمای بی‌خبر از جهان در میان و با وجود این مخاطرات شدیده روزی در خراسان تعرّض به یاران نمایند یومی در عتبات عالیات که باید مصدر حقیقت باشد به انواع مفتریات برخیزند با وجود این چگونه این زخم التیام یابد و این مشاکل عظیمه اختتام جوید ما دعا می‌کنیم که خدا سروران را تأیید کند و پیشکاران را توفیق بخشد تا اسباب غیبی

فراهم آید و این غبار شدید ساکن گردد و زراء کرام را نیت تمشیت امور است و اجرای قانون و دستور ولی فتنه‌جویان را مقصدی جز نفوذ خویش نیست و مرادی جز انتفاع به کم و بیش نه چشم هر خیرخواهی گریان است و قلب هر صادقی محترق و سوزان امیدی که هست به عون و عنایت حق است و علیک البهَاء الأبھی.

هو الله

۶. ای بنده آستان جمال ابھی نامۀ منظوم و منثور ملحوظ و منظور گردید هر کلمه‌اش فی الحقیقه به یابہاء الأبھی ناطق و هر حرفش به نداء یا علی الاعلی ذاکر آن یار مهربان الحمد لله ثابت بر عهد و راسخ پیمان و شب و روز به خدمت قائم و به عبودیت ساعی و در ترویج امر الله کوشش بی پایان می نماید ان شاء الله نتایج آن آشکار و عیان گردد ولی آشوب و فتنه ایران نمی گذارد که یاران نفسی برآرند و یا طالبان را هوش و گوش استماع ماند الفتنة کانت نائمه خبیه الله علی من ایقظها هیجده سال پیش رسالۀ سیاسیہ مرقوم گردید و به خط جناب مشکین مرقوم شد و در بمبائی طبع گردید و در جمیع اطراف انتشار داده شد و در آن رساله صریحاً و واضحاً تحریر یافت که اگر علماء بی فکر مداخله کنند عاقبت نهایت انقلاب است و سبب پریشانی و پشیمانی بی حساب زنهار زنهار از مداخله در امور سیاسی ایشان ایران را پریشان نمایند و خود پشیمان گردند لکن مسموع نشد و مفید نیفتاد تا حال بر این منوال شد. باری با وجود این شما فتور میارید و به قدر امکان در تبلیغ قصور مفرمائید و چنین اوقات را مغتنم شمارید و به آنچه که باید و شاید قیام نمائید که عبدالبهاء به نهایت تضرع و ابتهال از حضرت ذوالجلال استدعای تأیید نماید تا نفوس مبارکه در معارک با جنود نفس و هوی مظفر و منصور باشند و صبور و شکور گردند...

هو الله

۷. ای ثابت بر پیمان نامۀ مفصل شما را با وجود آن که به جان عزیزت فرصت قرائت یک سطر نداشتم محض خاطر شما به دقت مکرر خواندم...

رساله‌ای سیاسیّه که بیست سال پیش تألیف شده و در بدایت سلطنت مظفرالدین شاه به خط مشکین قلم در بمبئی طبع و نشر گشته البتّه آن رساله را مطالعه فرمائید در آنجا به صراحت منصوص است که اگر علماء دین مداخله در امور سیاسی نمایند یقین بدانید که نظیر ایّام شاه سلطان حسین و زمان فتح علی شاه و اواخر عبدالعزیز خان عثمانی گردد در واقعه اولی ایران را افغان ویران کرد در واقعه ثانیه نصف ایران به باد رفت در واقعه ثالثه نصف ممالک عثمانی به هدر رفت و به قدر ده کرور نفوس تلف و بی سر و سامان شد و مجبور به هجرت گردید ولی با وجود این صراحت و این برهان قاطع کسی گوش نداد باز مانند دم پیروی ثعالب نمودند و به آیات متشابهه غیرباهره و حجج غیربالغه یعنی علماء رسوم پیروی نمودند ایران را ویران کردند و از کوکب درخشنده ایران غافل مظهر یخربون بیوتهم بایدیم شدند کما قال الشّاعر اذا کان الغراب دلیل قوم فیهدیهم الی جیف البراری باز ایرانیان بیدار نمی شوند به خواب خرگوشی مبتلا هستند و چنان این پیشوایان بی عقل مانند مرض کابوس بر اینها مسلط شده اند که دقیقه‌ای از مرض سبات نجات نداشتند...